

پیوسته

شماره: ۶۵۰/۱۱۰۱۱

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۳/۰۶

پیوست:

دفترخانه شورای نگهبان
شماره ثبت: ۹۱، ۱۱، ۴۶۸۳۰
تاریخ ثبت: ۱۳۹۱/۳/۶
کد پرونده:
ساعت ورود:

حضرت آیت الله احمد جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیاتهای بر
درآمد و سرمایه و تشریفات (پروتکل) الحاقی مربوط بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلوانی
که به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود و در جلسه علنی روز یکشنبه
مورخ ۱۳۹۱/۲/۳۱ مجلس با اصلاحاتی به تصویب رسیده است، به پیوست ارسال می گردد.

علی لاریجانی

لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه و تشریفات (پروتکل) الحاقی مربوط بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلوونی

ماده واحده- موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه و تشریفات (پروتکل) الحاقی مربوط بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلوونی به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

تبصره ۱- هزینه‌های مالی موضوع بند (۴) ماده (۱۱) موافقتنامه مجوز کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.

تبصره ۲- اجرای ماده (۲۵) این موافقتنامه منوط به رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

بسم الله الرحمن الرحيم

موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه و تشریفات (پروتکل) الحاقی مربوط بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلوونی

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلوونی، با تمایل به انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه، به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱- اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲- مالیاتهای موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه شامل مالیاتهای بر درآمد و سرمایه است که صرف نظر از نحوه اخذ آنها، از سوی هر دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آنها وضع می گردد.

۲- مالیات بر درآمد و سرمایه عبارت است از تمامی مالیاتهای بر کل درآمد و کل سرمایه یا اجزاء درآمد و سرمایه از جمله مالیات درآمدهای حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه

۳- مالیاتهای موجود مشمول این موافقتنامه به ویژه عبارتند از:

الف: در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد و

- مالیات بر دارایی

ب: در مورد جمهوری اسلوونی

الف- مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی

ب- مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و

پ- مالیات دارایی

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیاتهای موجود بوده و بعد از تاریخ امضاء این موافقتنامه به آنها اضافه و یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳- تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را

اقتضاء نماید:

الف:

- اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می شود.

- اصطلاح «اسلوونی» به جمهوری اسلوونی و هنگامی که در معنای جغرافیایی آن به کار می رود به قلمرو اسلوونی، از جمله مناطق دریایی آن اطلاق می شود که اسلوونی حقوق حاکمیتی یا صلاحیت را طبق قوانین داخلی خود و حقوق بین المللی بر آن اعمال می کند.

ب: اصطلاح «یک دولت متعاهد» و «دولت متعاهد دیگر» حسب اقتضاء متن، به «جمهوری اسلامی ایران» یا «اسلوونی» اطلاق می شود.

پ: «شخص» اطلاق می شود به:

- شخص حقیقی

- شرکت یا هر مجموعه دیگری از افراد

ت: «شرکت» اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می شود.

ث: «مؤسسه یک دولت متعاهد» و «مؤسسه دولت متعاهد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاهد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعاهد دیگر اداره می گردد، اطلاق می شود.

ج: «حمل و نقل بین المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، هواپیما یا وسیله نقلیه جاده‌ای اطلاق می شود که توسط مؤسسه یک دولت متعاهد انجام می شود، به استثناء مواردی که کشتی، هواپیما یا وسیله نقلیه جاده‌ای صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعاهد دیگر استفاده شود.

چ: «مقام صلاحیتدار»:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می شود.

- در مورد اسلوونی به وزارت دارایی جمهوری اسلوونی یا نماینده مجاز آن اطلاق می شود.

ح- اصطلاح «تبعه» در رابطه با یک دولت متعاقد اطلاق می شود به:

- هر شخص حقیقی که تابعیت یک دولت متعاقد را دارا می باشد؛

- هر شخص حقوقی، مشارکت، یا انجمنی که وضعیت خود را از قوانین جاری

در یک دولت متعاقد کسب می کند.

۲- در اجرای این موافقتنامه در هر زمان توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به کار رفته در آن زمان در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه است، به جز مواردی که اقتضاء سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد. معانی به کار رفته در قوانین مالیاتی جاری آن دولت بر معانی آن اصطلاح در سایر قوانین آن دولت ارجحیت خواهد داشت.

ماده ۴- مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می شود که به موجب قوانین آن دولت متعاقد، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت، محل مدیریت، یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت، تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی خواهد بود. با وجود این اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ سرمایه یا کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می شود.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱)، شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف: او فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، فقط

مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب: هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.

پ: هرگاه او معمولاً در هر دو دولت به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، فقط مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت: در صورتی که نتوان براساس مقررات جزء (پ) وضعیت وی را تعیین کرد، موضوع با توافق متقابل مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتی که طبق مقررات بند (۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، در آن صورت مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاهد با توافق متقابل موضوع را حل و فصل خواهند نمود و نحوه اعمال موافقتنامه در مورد آن شخص را تعیین خواهند کرد.

ماده ۵- مقرر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقرر دائم» به محل ثابت کسب و کار اطلاق می شود که کسب و کار یک مؤسسه کلاً یا جزئاً از طریق آن انجام می گیرد.

۲- اصطلاح «مقرر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف: محل اداره

ب: شعبه

پ: دفتر

ت: کارخانه

ث: کارگاه و

ج: معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره‌برداری و یا استخراج منابع طبیعی

۳- کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن یا نصب ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، «مقر دائم» محسوب می‌شوند ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتها در قلمرو یک دولت متعاقد بیش از نه ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده اصطلاح مقر دائم شامل موارد زیر نمی‌گردد:

الف: استفاده از تسهیلات، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای

متعلق به مؤسسه

ب: نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبارکردن یا نمایش

پ: نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط

مؤسسه دیگر

ت: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا

گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه

ث: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام سایر فعالیتهایی که

برای آن مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

ج: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور

در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آن‌که فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این

ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که

دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند (۶) است) در یک دولت متعاقد از طرف

مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار

مزبور را به طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد فعالیتهایی که این شخص برای

آن انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آن‌که فعالیتهای

شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت آن فعالیتها

چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقرر دائم تبدیل نخواهد کرد.

۶- مؤسسه صرفاً به سبب آن که در یک دولت متعاقد از طریق حق العمل کار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می پردازد، در آن دولت دارای مقرر دائم تلقی نخواهد شد مشروط بر آن که عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. مع ذلک، هرگاه فعالیت های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد و شرایط موجود بین مؤسسه و آن عامل در روابط تجاری و مالی متفاوت با شرایط بین مؤسسات مستقل باشد، از لحاظ این بند آن عامل دارای وضعیت مستقل تلقی نخواهد شد.

۷- صرف این که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکت مقیم یا فعال در دولت متعاقد دیگر را کنترل می کند یا تحت کنترل آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می دهد (خواه از طریق مقرر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای این که یکی از آنها مقرر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶- درآمد حاصل از اموال غیرمنقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاقد دیگر از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح «اموال غیرمنقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می گردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداخت های ثابت یا متغیر در ازاء کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه ها و سایر منابع

طبیعی از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود. کشتیها، قایقها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای و راه آهن به عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهد شد.

۳- مقررات بند (۱) نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷- درآمدهای تجاری

۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر این که این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت دیگر می‌شود.

۲- با رعایت مقررات بند (۳)، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاقد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دائم در هر یک از دو دولت متعاقد، دارای درآمدی تلقی می‌شود که اگر به صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقر دائم آن است به فعالیت‌های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می‌توانست تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه‌ها برای مقاصد آن مقر دائم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد، اعم از آن که در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است، انجام پذیرد، یا در جای دیگر.

۴- چنانچه در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دائم براساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات

بند (۲) مانع به کاربردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد، برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرف آنکه مقرر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می‌کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقرر دائم نخواهد بود.

۶- از لحاظ بندهای قبلی، درآمد منظور شده برای مقرر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸- حمل و نقل بین‌المللی

۱- درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتیها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲- مقررات بند (۱) در مورد درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد از مشارکت در اتحادیه، تجارت مشترک یا نمایندگی فعال بین‌المللی نیز نافذ خواهد بود، لیکن فقط به آن قسمت از منافع حاصله که قابل تخصیص به قدرالسهم بابت مشارکت در فعالیتهای مشارکتی باشد.

ماده ۹- مؤسسات شریک

۱- در صورتی که:

الف: مؤسسه یک دولت متعاقد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد،
یا

ب: اشخاصی واحد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاقد و مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشند و شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید در نبود آن شرایط عاید یکی از این مؤسسات می‌شد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاقد درآمدهایی که در دولت دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاقد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند، و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

ماده ۱۰- سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- مع ذلک این سود سهام ممکن است در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که مالک منافع سود سهام، مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، مالیات متعلقه از هفت درصد (۷٪) مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد. این بند تأثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می شود نخواهد داشت.

۳- اصطلاح «سود سهام» مورد استفاده در این ماده اطلاق می شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسين یا سایر حقوق (به استثناء مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می گردد.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاهد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۴)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاهد، منافع یا درآمدی از دولت متعاهد دیگر تحصیل کند، آن دولت دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد)، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱- هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- مع ذلک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده و طبق قوانین آن نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد و پرداختی به مقیم دولت متعاقد دیگر که مالک منافع هزینه‌های مالی مزبور باشد تا حدودی که در موارد مشروحه زیر پرداخت شود فقط در آن دولت دیگر مشمول مالیات خواهد بود:

الف: به دولت متعاقد دیگر، تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن یا به بانک مرکزی دولت متعاقد دیگر

ب: درخصوص فروش اعتباری تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی

پ: درخصوص فروش اعتباری اجناس توسط یک مؤسسه به مؤسسه دیگر

۴- اصطلاح «هزینه‌های مالی» به نحوی که در این ماده به‌کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آن‌که دارای وثیقه یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و به خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۵ - هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم فعالیت شغلی داشته باشد یا در دولت متعاقد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل

انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه های مالی از بابت آن پرداخت می شود به طور مؤثر مربوط به این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱)، (۲) و (۳) اعمال نخواهد شد. در این صورت، حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۴) مجری خواهد بود.

۶- هزینه های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده مقیم آن دولت باشد. مع ذلک، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد و در ارتباط با دینی که هزینه های مالی به آن تعلق می گیرد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه های مالی بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه های مالی مذکور، در دولت محل وقوع مقر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲- حق الامتیازها

۱- حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت دیگر می شود.

۲- مع ذلک، این حق الامتیازها ممکن است در دولت متعهده ای که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم

دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳- اصطلاح «حق الامتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازاء استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، اطلاق می شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز حاصل می شود از طریق مقرراتم واقع در آن، فعالیت شغلی داشته باشد، یا در دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می شود به طور مؤثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت، حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۴) مجری خواهد بود.

۵- حق الامتیاز در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده، مقیم آن دولت باشد. مع ذلک در صورتی که، شخص پرداخت کننده حق الامتیاز (خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاقد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابتی در ارتباط با دینی که پرداخت حق الامتیاز به آن تعلق می گیرد باشد و پرداخت حق الامتیاز بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، حق الامتیاز در دولتی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق یا اطلاعاتی که بابت آنها حق الامتیاز پرداخت می شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات

این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در اینگونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هریک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳- عواید سرمایه‌ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاقد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر می‌باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۳- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد از نقل و انتقال کشتیها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال سهام که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) ارزش آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاقد دیگر تشکیل شده است، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی که انتقال‌دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴- خدمات شخصی مستقل

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مستقل، فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود مگر آن‌که این شخص به منظور ارائه فعالیت‌های خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاقد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی یا آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۵- خدمات شخصی غیرمستقل

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰)، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آن‌که استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود که در این صورت حق‌الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آن‌که:

الف) جمع مدتی که دریافت‌کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر به‌سر برده است از یکصد و هشتاد و سه روز، در دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند، و

ب) حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاقد دیگر نیست

پرداخت شود، و

ب) پرداخت حق الزحمه بر عهده مقرر دائم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت دیگر دارد.

۳- علی‌رغم مقررات یادشده در این ماده، حق الزحمه حاصل در زمینه استخدام در کشتی، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود. مع‌ذلک، در صورتی که حق الزحمه توسط مقیم دولت متعاقد دیگر حاصل شود، در آن دولت دیگر نیز می‌تواند مشمول مالیات گردد.

ماده ۱۶- حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و پرداختهای مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره یا رکن مشابه شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

ماده ۱۷- هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقیدان، یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید، علی‌رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵) مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد علی‌رغم مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵) مشمول مالیات دولت متعاهدی می‌شود که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گردد.

۳- درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای خود در چهارچوب موافقتنامه فرهنگی میان دو دولت متعاقد تحصیل می‌نماید از شمول بندهای (۱) و (۲) این ماده مستثنی می‌باشد.

ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی

با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۱۹)، حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازاء خدمات گذشته فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۱۹ - خدمات دولتی

۱-

الف) حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی به استثناء حقوق بازنشستگی توسط یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ب) مع‌ذلک، در صورتی که خدمات در آن دولت و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، این حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود، مشروط بر آن‌که آن شخص مقیم:

- تابع آن دولت بوده، یا

- صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.

۲- حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاقد و یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف آن دولت یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به شخص حقیقی در خصوص خدماتی که برای آن دولت یا تقسیم سیاسی یا مقام محلی مزبور انجام داده است، فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

۳- در مورد حقوق، دستمزد و سایر حقوق‌الرحمه‌های مشابه و مقرری‌های بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در خصوص فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۵)، (۱۶)، (۱۷) و (۱۸) مجری خواهد بود.

ماده ۲۰- محصلین، مدرسین و محققین

۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاقد مقیم دولت متعاقد دیگر بوده یا باشد و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد نخست به سر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد، مشمول مالیات آن دولت نخواهد بود، مشروط بر آن‌که پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

۲- شخص حقیقی مقیم یک دولت متعاقد که بلافاصله قبل از حضور در دولت متعاقد دیگر بنا به دعوت هر دانشگاه، دانشکده، مدرسه یا مؤسسات آموزشی مشابه دیگر که طبق قوانین دولت متعاقد دیگر تأسیس شده‌اند، در آن دولت متعاقد دیگر برای مدتی که صرفاً به منظور تدریس یا تحقیق یا هر دو در آن مؤسسه آموزشی از دوسال تجاوز نکند، حضور می‌یابد، بابت حقوق‌الرحمه دریافتی در ازاء این تدریس یا تحقیق، از مالیات آن دولت متعاقد دیگر معاف خواهد بود.

۳- مفاد بند (۲) در مورد درآمد حاصل از آموزش یا انجام تحقیقاتی که در جهت منافع عمومی نباشد یا عمدتاً برای منافع شخصی شخص یا اشخاص خاصی باشد، مجری نخواهد بود.

ماده ۲۱- سایر درآمدها

۱- ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاهد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هرکجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

۲- به استثناء درآمد حاصل از اموال غیرمنقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار پردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن پرداخت شده است با این مقر دائم یا پایگاه ثابت به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود. در این صورت، حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۲- سرمایه

۱- سرمایه متشکل از اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر واقع شده، مشمول مالیات آن دولت دیگر می شود.

۲- سرمایه متشکل از اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقر دائمی که مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد می باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می باشد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می شود.

۳- سرمایه متشکل از کشتیها، هواپیما یا وسایل نقلیه جاده‌ای مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی توسط مؤسسه یک دولت متعاهد و همچنین اموال منقول مرتبط

با استفاده از این کشتیها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۴- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳- حذف مالیات مضاعف

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل کند یا سرمایه‌ای داشته باشد که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد:

الف: مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت متعاقد دیگر، از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.

ب: مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت متعاقد دیگر، از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

مع‌ذک در هریک از دو مورد، اینگونه کسورات نباید از میزان مالیات بر درآمد یا مالیات بر سرمایه در آن دولت دیگر که پیش از کسر، حسب مورد به درآمد یا سرمایه تعلق می‌گرفته، بیشتر باشد.

۲- در صورتی که طبق هریک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می‌تواند علی‌رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی مانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۴- عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین‌تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت دیگر

تحت همان شرایط به‌ویژه از لحاظ اقامتگاه مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی‌رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ می‌شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت متعاقد دیگر که همان فعالیتها را در آن دولت دیگر انجام می‌دهند نامساعدتر باشد. این مقررات به‌گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسؤولیتهای خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

۳- مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می‌باشد، در دولت نخست مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگین‌تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱) یا بند (۶) ماده (۱۲) اعمال می‌شود، هزینه‌های مالی، حق‌الامتياز و سایر هزینه‌های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود. همچنین هرگونه دین مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان سرمایه مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که اگر دین مزبور به مقیم دولت نخست پرداخت می‌شد.

۵- مقررات این ماده در مورد مالیاتهای مشمول این موافقتنامه اعمال خواهد شد.

ماده ۲۵- آیین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که شخصی بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با مقررات این موافقتنامه نمی باشد، صرف نظر از طرق احقاق حق پیش بینی شده در قوانین ملی دولتهای مزبور، می تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۴) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده، تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد. هرگونه توافقی که حاصل شود، علی رغم هرگونه محدودیتهای زمانی موجود در قوانین داخلی دولتهای متعاقد لازم الاجراء خواهد بود.

۳- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دو جانبه فیصله دهند و همچنین می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد می توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقامات صلاحیتدار با مشورت یکدیگر، آیینها، شرایط، روشها و فنون مقتضی را برای اجرای آیین توافق دو جانبه مندرج در این ماده فراهم می آورند.

ماده ۲۶- تبادل اطلاعات

۱- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی غیرمغایر با این موافقتنامه را که مربوط به مالیاتهای از هر نوع و ماهیت که توسط دولتهای متعاهد، تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آنها وضع شده است را مبادله خواهند کرد. مفاد مواد (۱) و (۲) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می شود، به همان شیوه ای که اطلاعات به دست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد، و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداری که به امر تشخیص، وصول، اجراء یا پیگیری اشتغال دارند یا در مورد پژوهش خواهیهای مربوط به مالیاتهای مذکور در این بند تصمیم گیری می کنند، یا مقامات مافوق آنان فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یاد شده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضائی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد:

الف) اقدامات اداری مغایر با قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید.

ب) اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ) اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشاء هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرآیند تجاری شود یا افشاء آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

ماده ۲۷- اعضاء هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضاء هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۸- لازم‌الاجراء شدن

۱- دولتهای متعاقد طبق قوانین و مقررات خود این موافقتنامه را تصویب خواهند نمود. دولتهای متعاقد، یکدیگر را کتباً از طریق مجاری سیاسی، از تکمیل مراحل مقرر در قوانین خود جهت لازم‌الاجراء شدن این موافقتنامه مطلع خواهند نمود. این موافقتنامه از تاریخ دریافت آخرین اطلاعیه لازم‌الاجراء خواهد شد.

۲- این موافقتنامه در موارد زیر اعمال خواهد شد:

الف) در مورد مالیاتهای تکلیفی

(۱) در جمهوری اسلامی ایران نسبت به درآمدی که از اول فروردین ماه تقویم هجری شمسی برابر با بیست و یکم مارس تقویم میلادی سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه در آن قوت قانونی یافته است یا پس از آن حاصل می‌شود.

(۲) در جمهوری اسلوونی نسبت به مبالغی که از اول ژانویه تقویم میلادی برابر با یازدهم دی ماه تقویم هجری شمسی سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه در آن قوت قانونی یافته است یا پس از آن حاصل می‌شود.

ب) در مورد سایر مالیاتهای بر درآمد و بر سرمایه

(۱) در جمهوری اسلامی ایران نسبت به مالیاتهای متعلقه برای هر دوره مالیاتی که از اول فروردین ماه تقویم هجری شمسی برابر با بیست و یکم مارس تقویم میلادی سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه در آن قوت قانونی یافته است یا پس از آن شروع می‌شود.

(۲) در جمهوری اسلوونی نسبت به مالیاتهای متعلقه برای هر دوره مالیاتی که از اول ژانویه تقویم میلادی برابر با یازدهم دی ماه تقویم هجری شمسی سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه در آن قوت قانونی یافته است یا پس از آن شروع می شود.

ماده ۲۹- فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعهد فسخ نشده لازم الاجراء خواهد بود. هر یک از دولت‌های متعهد می‌تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت کتبی فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنجساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجراء می‌گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر اعمال نخواهد شد:

الف) در مورد مالیاتهای تکلیفی

(۱) در جمهوری اسلامی ایران نسبت به درآمدی که از اول فروردین ماه تقویم هجری شمسی برابر با بیست و یکم مارس تقویم میلادی سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ در آن تسلیم شده است یا پس از آن حاصل می‌شود.

(۲) در جمهوری اسلوونی نسبت به درآمدی که از اول ژانویه تقویم میلادی برابر با یازدهم دی ماه تقویم هجری شمسی سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ در آن تسلیم شده است یا پس از آن حاصل می‌شود.

ب) در مورد سایر مالیاتهای بر درآمد و بر سرمایه

(۱) در جمهوری اسلامی ایران نسبت به مالیاتهای متعلقه برای هر دوره مالیاتی که از اول فروردین ماه تقویم هجری شمسی برابر با بیست و یکم مارس تقویم میلادی سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ در آن تسلیم شده است یا پس از آن شروع می‌شود.

(۲) در جمهوری اسلوونی نسبت به مالیاتهای متعلقه برای هر دوره مالیاتی که از اول ژانویه تقویم میلادی برابر با یازدهم دی ماه تقویم هجری شمسی سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ در آن تسلیم شده است یا پس از آن شروع می‌شود.

برای گواهی مراتب بالا، امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به طور مقتضی مجاز می‌باشند، این موافقتنامه را امضاء نمودند.

این موافقتنامه در تهران در دو نسخه در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۹ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۱/۹/۲۰ میلادی به زبانهای فارسی، اسلوونیایی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف
جمهوری اسلوونی

از طرف
جمهوری اسلامی ایران

**تشریفات (پروتکل) الحاقی به موافقتنامه بین جمهوری اسلامی ایران و
جمهوری اسلونی به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار
مالیاتی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه**

در زمان امضاء موافقتنامه به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه که در این روز بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلونی منعقد گردید، امضاء کنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به طور مقتضی مجاز می باشند توافق نمودند که مقررات زیر جزء لاینفک موافقتنامه می باشد:

۱- در خصوص بند (۳) ماده (۲):

اصطلاحات «مالیات دارایی» و «مالیات بر دارایی» شامل مالیات بر ارث نمی گردد.

۲- در خصوص بند (۳) ماده (۱۱):

بدیهی است که اصطلاح «دولت متعاقد دیگر» در مورد جمهوری اسلامی ایران شامل وزارتخانه ها و دیگر مؤسسات مالی می گردد. به علاوه، اصطلاح «مقام محلی» به «شهرداریها» اطلاق می گردد.

برای گواهی مراتب بالا، امضاء کنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به طور مقتضی مجاز می باشند، این پروتکل را امضاء نمودند.

این پروتکل در تهران در دو نسخه در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۹ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۱/۹/۲۰ میلادی به زبانهای فارسی، اسلونی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف	از طرف
جمهوری اسلونی	جمهوری اسلامی ایران

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه، شامل مقدمه و بیست و نه ماده و یک تشریفات (پروتکل) الحاقی در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی و یکم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و نود و یک مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

علی لاریجانی